

مدل کیفی توسعه ورزش برای همه در ایران به روش گرندد تئوری

محمد بابایی^۱
فروغ فتاح مسرور^۲
نادر شاکری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۵/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۶

هدف از این تحقیق، تدوین مدل کیفی توسعه ورزش برای همه در ایران به روش گرندد تئوری بود. این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی بود و گردآوری اطلاعات به روش آمیخته (کیفی و کمی) انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق را کلیه اساتید و متخصصان مدیریت ورزشی (۶۰ نفر)، روسای فدراسیون ها (۵۲ نفر)، مدیران کل ورزش و جوانان استان ها (۳۱ نفر) و کارشناسان عالی وزارت ورزش و جوانان (۲۰۰ نفر) تشکیل می دادند (N=۳۴۳). در بخش کیفی از دو روش نمونه گیری نظری و گلوله برفی استفاده شد و در بخش کمی، نمونه گیری به صورت غیرتصادفی طبقه ای انجام گرفت. ابزار تحقیق در بخش کیفی، مصاحبه با استفاده از روش نظریه برخاسته از داده ها (گرندد تئوری) و در بخش کمی، پرسشنامه محقق ساخته بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها در بخش آمار استنباطی، ابتدا در قسمت تطبیقی تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس پروتکل گریتون و جونس (۲۰۰۴) و سپس در بخش کمی آن از آزمون تی تک نمونه ای با کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ استفاده شد. در نهایت، نیز بر اساس یافته های حاصل از سوالات تحقیق و با تکیه بر نظریه پردازی بنیادی، مدل کیفی توسعه ورزش همگانی در ایران تدوین و ترسیم شد. در مدل به دست آمده مشخص شده است که برای توسعه ورزش همگانی کشور، مجموعه ای از شرایط علی مورد نیاز است که از آن

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

به عنوان «تقویت محیط حقوقی و قانونی ورزش همگانی» یاد می‌گردد. به دنبال ایجاد این شرایط علی، باید راهبردهایی با هدف برنامه ریزی و نظارت ملی در ورزش پایه، ورزش بانوان و ورزش اقشار مختلف جامعه تدوین شود که مجموعه ای از عوامل زمینه ای و مداخله گر بر آنها تاثیر گذارند و آنها را مورد تغییر و اصلاح قرار دهند. بدین ترتیب، انتظار می‌رود که سطح کارایی و بهره‌وری ورزش برای همه ارتقا یابد و متعاقب آن، رشد همه جانبه در کشور اتفاق افتاد.

واژگان کلیدی: ورزش برای همه، گرندد تئوری، نظریه پردازی بنیادی و توسعه



مقدمه

ورزش همگانی در واقع کوششی جهت رواج دادن ورزش بین تمام اقشار جامعه و دارای اثرات بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. امروزه حدود ۵۰ ورزش در جهان، به عنوان ورزش همگانی شناخته شده و طیفی از دوییدن‌های آرام تا بازی‌های المپیک را شامل می‌شوند (ماسکوپت و همکاران^۱، ۲۰۱۷). در طی سه دهه گذشته، شعار «ورزش برای همه» به صورت اصلی بنیادی و اولویت برنامه‌های ورزشی در اغلب کشورهای جهان پذیرفته شده است (مکینتوش و همکاران^۲، ۱۹۸۰)، چراکه فعالیت‌های تفریحی-ورزشی در تمام دوران زندگی به ویژه برای گذران اوقات فراغت افراد اهمیت زیادی دارند و در سلامت جسمی و روحی آنان تأثیر بسیار زیادی بر جای می‌گذارند (هاولیهان و وایت^۳، ۲۰۰۲). توسعه و اعتلای تربیت بدنی و ورزش در جامعه ما منوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری ورزشی است (هالسوریر^۴، ۲۰۰۲) و مشارکت افراد در آن سبب توسعه اجتماعی، شناختی و روانی و بهبود تناسب اندام می‌گردد (سوهن و همکاران^۵، ۲۰۱۴). این موضوع باعث شده که سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی برای توسعه ورزش در بیشتر کشورها انجام شود (علی‌نژاد، ۱۳۹۳).

ورزش همگانی اهدافی چون: حفظ سلامت، تعمیم بهداشت، رشد و تقویت قوای جسمی، آمادگی برای فعالیت‌های دفاعی، کسب شادابی و نشاط و کسب موفقیت شغلی و حرفه‌ای را دنبال می‌کند (کولینز^۶، ۲۰۰۲). ورزش همگانی بستری را فراهم می‌سازد که افراد بدون در نظر گرفتن اختلافات طبقاتی، قومی و... به فعالیت‌های دلخواه و مورد علاقه خود بپردازند (زاهدی، ۱۳۹۰). باتوجه به تعاریف ارائه شده از ورزش‌های همگانی، می‌توان نتیجه گرفت که ورزش همگانی و تفریحی، دموکراسی در ورزش است؛ یعنی همه بتوانند در هر زمان و در هر کجا، با هر فرد یا گروه دلخواه، با هر شدتی که مایل باشند و به هر رشته ورزشی که علاقه مندند بپردازند (بایاک و تیپولت^۷، ۲۰۰۹). برخی پژوهشگران ورزش همگانی را به معنای لذت، رضایت، آرامش، تعادل، تسلط، موفقیت، تهییج، نشاط، درستی، آشنایی، بازی جوانمردانه، ادراک، رشد، تکامل، سلامتی، آمادگی جسمانی و خوب بودن تعریف می‌کنند (اسلامی، ۱۳۹۳). ورزش همگانی دارای ماهیتی تفریحی، آزادانه و انتخابی است (سید عامری و همکاران، ۱۳۹۱). فعالیت بدنی، بخش اساسی سلامت عمومی جامعه است (مالینا و همکاران، ۲۰۰۸). فعالیت بدنی منظم، مؤلفه اساسی یک زندگی سالم است (واتر و همکاران، ۲۰۰۶).

نتایج پژوهش‌های اتقیا (۱۳۹۶) و قره (۱۳۸۴) در مورد ورزش همگانی و تفریحی نشان می‌دهد که توسعه و تعمیم ورزش علیرغم برنامه ریزی‌ها، هزینه‌ها و تلاش‌های مختلفی که صورت گرفته، نه تنها در سال‌های اخیر گسترش نیافته، بلکه کاستی‌ها و نقاط ضعف عدیده‌ای هم دارد (مظفری و قره، ۱۳۸۴). با

1. Mauskopf et al.
2. MacIntosh et al.
3. Houlihan & White
4. Holzweher
5. Cohen et al.
6. Collins
7. Babiak & Thibault

توجه به اهمیت و ضرورت موضوع برنامه راهبردی، سازمان‌های ورزشی متعددی اقدام به تهیه برنامه جامع راهبردی توسط محققان نموده اند؛ از جمله: فدراسیون کشتی (گودرزی، ۱۳۸۶)، فدراسیون تکواندو (خبیری و همکاران، ۱۳۸۷)، کمیته ملی المپیک (خسروی‌زاده، ۱۳۸۷)، فدراسیون قایقرانی (۱۳۸۷)، اداره کل تربیت بدنی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۷) و سازمان ورزش شهرداری شهر تهران (۱۳۸۷) تا با ارائه راهکارهای مناسب علمی و با استفاده از نظر متخصصان، چشم‌اندازهای ورزش کشور به ویژه در بخش قهرمانی را تعیین کنند.

همچنین، هولت و همکاران^۱ (۲۰۱۷) مقاله‌ای با رویکرد مبتنی بر گرند تئوری در زمینه توسعه مثبت جوانان از طریق ورزش انجام دادند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ارائه الگویی شامل سه طبقه عوامل زمینه‌ای رشد جوانان از طریق ورزش (روابط بزرگسالان، روابط همسالان و دخالت والدین)، تمرکز برنامه مهارت‌های زندگی (مهارت‌های ایجاد زندگی فعال و فعالیت‌های انتقالی) و عواقب و پیامدهای آن (زمینه‌های شخصی، اجتماعی و حوزه‌های بدنی و فیزیکی) می‌باشد.

لذا با توجه به اهمیت موضوع، بررسی راه‌های توسعه ورزش برای همه در کشور هدف این پژوهش می‌باشد. امید می‌رود نتایج تحقیق حاضر منجر به تبیین راهکارهای مناسبی در زمینه توسعه ورزش همگانی و تفریحی گردد و از این رهگذر شاهد افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی باشیم و گام کوچکی در راستای رشد و توسعه ورزش به ویژه ورزش برای همه در کشور برداشته شود.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، آمیخته (کیفی و کمی) است. در مرحله اول که مطالعه تطبیقی بود، پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای به اجرا درآمد و به توصیف و تحلیل وضعیت توسعه ورزش همگانی در کشور و مقایسه با کشورهای دیگر پرداخته شد. در مرحله دوم که مصاحبه‌های کیفی بود، برای ساخت الگوی پیشنهادی پژوهش از روش نظریه برخاسته از داده‌ها (گرند تئوری)^۲ استفاده شد. پس از انجام مرحله اول و گردآوری اطلاعات اولیه درباره عوامل مرتبط با توسعه ورزش همگانی، متن مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته تهیه و اقدام به مصاحبه با خبرگان شد. پس از مصاحبه با ۱۳ نفر از خبرگان امر ورزش همگانی، اشباع نظری حاصل گردید و پرسشنامه اولیه تحقیق به دست آمد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به تایید ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی رسید و روایی سازه آن نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. پس از تهیه پرسشنامه نهایی تحقیق، پایایی آن نیز در یک مطالعه مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از جامعه مورد مطالعه با آزمون آلفای کرونباخ به میزان ۰/۸۷ به دست آمد که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه دارد. در نهایت، پرسشنامه پس از تایید روایی و پایایی، بین جامعه تحقیق توزیع شد. جامعه آماری تحقیق را کلیه اساتید و متخصصان مدیریت ورزشی (۶۰ نفر)، روسای فدراسیون‌ها (۵۲ نفر)، مدیران کل ورزش و جوانان استان‌ها (۳۱ نفر) و کارشناسان عالی وزارت ورزش و جوانان (۲۰۰ نفر)

1. Holt et al.

2. Grounded Theory

تشکیل می دادند. در بخش کیفی از دو روش نمونه‌گیری نظری و گلوله برفی استفاده شد. در نمونه‌گیری گلوله برفی، اگر شرکت‌کنندگان افراد دیگری را می‌شناختند که در زمینه مورد بررسی دارای تجربیات و دیدگاه‌هایی بودند، برای شرکت در مطالعه معرفی می‌کردند. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که محقق به این نتیجه رسید که اطلاعات جدید، همان تکرار اطلاعات قبلی است و دیگر مفهومی جدیدی که نیاز به کد دهی جدید یا گسترش کدهای موجود داشته باشد، به دست نمی‌داد. در این زمان، نمونه‌گیری خاتمه یافت. همچنین نمونه‌گیری در بخش کمی به صورت غیر تصادفی طبقه‌ای انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. جهت ارائه داده‌های توصیفی از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد فراوانی و رسم نمودار و جداول استفاده گردید و در تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار استنباطی، ابتدا در قسمت تطبیقی تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی بر اساس پروتکل گریتون و جونس (۲۰۰۴) و سپس در بخش کمی آن از آزمون تی تک نمونه‌ای با کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ بهره‌گیری شد.

یافته‌های پژوهش

احساس نیاز مردم و مسئولان به توسعه ورزش همگانی (شرایط علی)

نتایج مصاحبه‌ها نشان داد احساس نیاز مردم و مسئولان به توسعه ورزش همگانی (شرایط علی) با مجموعه‌ای از مقوله‌ها به همراه ویژگی‌هایشان، باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های استخراج شده، احساس نیاز مردم و مسئولان به توسعه ورزش همگانی به عنوان کلید اصلی توسعه ورزش همگانی (و شرط علی و اصلی) مطرح گردیده است (شکل ۱).



شکل ۱: شرایط علی: احساس نیاز مردم و مسئولان به توسعه ورزش همگانی

مهمترین دلیل برای توسعه ورزش همگانی، احساس نیازی است که امروزه در جامعه و در بین مردم به وجود آمده است. همچنین مسئولان نیز به این درک رسیده اند که توسعه ورزش همگانی می تواند از جنبه های دیگری نیز به توسعه کشور کمک کند. در این باره پ می گوید:

«یه زمانی مسئولان هیچ گونه اعتقادی به ورزش همگانی نداشتند و همه چی شده بود ورزش قهرمانی، ولی الان وضعیت خیلی بهتر شده».

همچنین ت درباره رشد مناسب ورزش همگانی در سال های اخیر می گوید:

«با افزایش تبلیغات و رسانه و تلویزیون و شبکه های اجتماعی که هی به مردم فوائد ورزش رو میگن، خود مردم هم فهمیدن که ورزش همگانی یک نیاز روزانه براشون هست. حتی بانوان نیز گرایش زیادی نسبت به گذشته به ورزش دارند».

ضعف های مدیریتی و کمبود امکانات (شرایط مداخله گر)

ضعف های مدیریتی و کمبود امکانات (شرایط مداخله گر)، شرایطی هستند که کنش ها و تعاملات از آنها متأثر می شوند. این شرایط مجموعه ای از متغیرهای میانجی و واسط را تشکیل می دهند. شرایط مداخله گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می کنند (شکل ۲).

۱۰۰



شکل ۲: شرایط مداخله گر: ضعف های مدیریتی و کمبود امکانات

مدیران راه گشای مشکلات و تعیین کننده اهداف هر سازمان به شمار می آیند. مهمترین وظیفه مدیران، تصمیم گیری می باشد و بی شک، تصمیمات یک مدیر رابطه زیادی با مدت زمانی دارد که مدیر قصد دارد در سازمان بماند. در صورتی که مدیر بداند قرار است با کسب مدال و فعالیت های سریع ارزیابی شود، به

سمت فعالیت های زود بازده روی خواهد آورد. تفکر مدیران ورزشی، یکی از مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر تصمیمات مدیران است. در این مورد الف می گوید:

«مهمترین فاکتورهای داخلی همون طور که قبلا عرض کردم، ثبات مدیریتی است، اگر مدیر بداند که مثلا X سال به عنوان مدیر می خواهد باشد، در آن مدت ماندنش می تواند برنامه ریزی های خوبی برای همگانی کردن ورزش در رشته خودش بکند، اما مدیران فقط به سمت ورزش قهرمانی می روند». همچنین کمبود فضاهای مناسب ورزش همگانی در کشور از مسائل مورد اشاره در مصاحبه ها بود. در این مورد خ می گوید:

«... ببینید درسته شما در هر جایی می توانید ورزش کنید، ولی مناسب بودن مکانی که در آن ورزش می کنید یکی از عوامل انگیزاننده است. مثلا کسی رو نمی بینید توی حمام پرود غذا بخورد. با اینکه در حمام می شود غذا خورد، ولی به آدم نمی چسبد. ورزش همگانی هم نیاز به فضاهایی دارد که ورزش کردن به مردم بچسبد». همچنین ث می گوید:

«مگر ما چقدر زمین مناسب ورزش همگانی در کشور داریم؟ آیا این زمین ها شناخته شده هستند؟ آیا پاسخگوی نیازهای ورزش مردم می باشند؟». پ نیز می گوید:

«... خیلی از مدیران خودشان را در هر زمینه ای عقل کل می دانند. خیلی از مریبان با سیستم های سنتی رشد کرده اند و واقعا دشوار است آن ها را در مورد لزوم ورزش همگانی توجیه کرد...».

شرایط زمینه ای (توسعه محیط حقوقی و ساختاری ورزش همگانی)

شرایط زمینه ای (توسعه محیط حقوقی و ساختاری ورزش همگانی)، شرایط خاصی است که بر کنش و تعاملات تأثیر می گذارد و تمیز آن ها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه ای از مفاهیم، مقوله ها و یا متغیرهای زمینه ای تشکیل می دهند. گاهی اوقات متغیرهای بسیار مرتبط را در ذیل شرایط علی و متغیرهایی با ارتباط کمتر را ذیل بستر طبقه بندی می کنند. در حال حاضر، عوامل درون سازمانی بر کنش ها و تعاملات اثر می گذارند (شکل ۳).



شکل ۳: شرایط زمینه ای: توسعه محیط حقوقی و ساختاری ورزش همگانی

هر سازمانی مانند یک پازل می باشد. برای اینکه یک سازمان بتواند به رسالت اصلی خود بپردازد، باید تکه های این پازل به درستی در کنار هم قرار بگیرند. با نبود قوانین حمایتی از ورزش همگانی، چگونه انتظار داریم که ورزش همگانی توسعه پیدا کند؟ در این مورد می گوید:

«ورزش همگانی نیاز به قانون داره. وزارت ورزش باید با مجلس تعامل بکنه تا قوانینی وضع بشن که به توسعه ورزش همگانی کمک کنن. مثلا حمایت مالی از شرکت هایی که در ورزش همگانی سرمایه گذاری می کنند».

و در این مورد می گوید:

«په زمانی اصلا کسی نمی دونست ورزش همگانی یعنی چی. ولی الان خیلی خوب رشد کردیم و دانشجویهای علاقه مند و اساتید خوبی هم داریم. یک معاونت و دو دفتر هم در وزارت ورزش داریم. ولی باز هم نیاز هست به حمایت های بیشتر».

راهبردها (فرهنگ سازی، هم افزایی سازمانی و بهبود فضاهای ورزشی)

راهبردها (فرهنگ سازی، هم افزایی سازمانی و بهبود فضاهای ورزشی) بیانگر رفتارها، فعالیت ها و تعاملات هدف داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله گر و بستر حاکم، اتخاذ می شوند. در بحث توسعه ورزش همگانی، با حضور مقوله محوری، مداخله گر و بستر حاکم برای فرهنگ سازی، هم افزایی سازمانی و بهبود فضاهای ورزشی فراهم می گردد (شکل ۴).



شکل ۴: راهبردها: فرهنگ سازی، هم افزایی سازمانی و بهبود فضاهای ورزشی

پس از عوامل مدیریتی، مهمترین عاملی که می تواند یک مقوله را در جهت پیشرفت و توسعه قرار دهد ایجاد احساس نیاز در بین آحاد مردم است. با فرهنگ سازی می توان این نیاز را ایجاد کرد. اگر مدیریت را نرم افزار در نظر بگیریم، بدون سخت افزار مناسب برنامه های مدیریتی اثربخش نخواهد بود.

در این مورد الف می گوید:

«باید یک کار گروهی منسجم انجام بشه. صدا و سیما باید مکلف بشه به تشویق مردم به ورزش همگانی. الان برنامه هایی دارند، ولی نه از نظر کیفی و نه از نظر کمی پاسخگوی ورزش همگانی نیستند».

همچنین ت می گوید:

«ورزش همگانی یک وظیفه چند بخشی است. وزارت بهداشت نمی تواند خودش را درگیر نکند. شهرداری ها، صدا و سیما و نیروهای مسلح باید پای کار باشند. نمی شود وزارت ورزش را به تنهایی مسئول بدانیم».

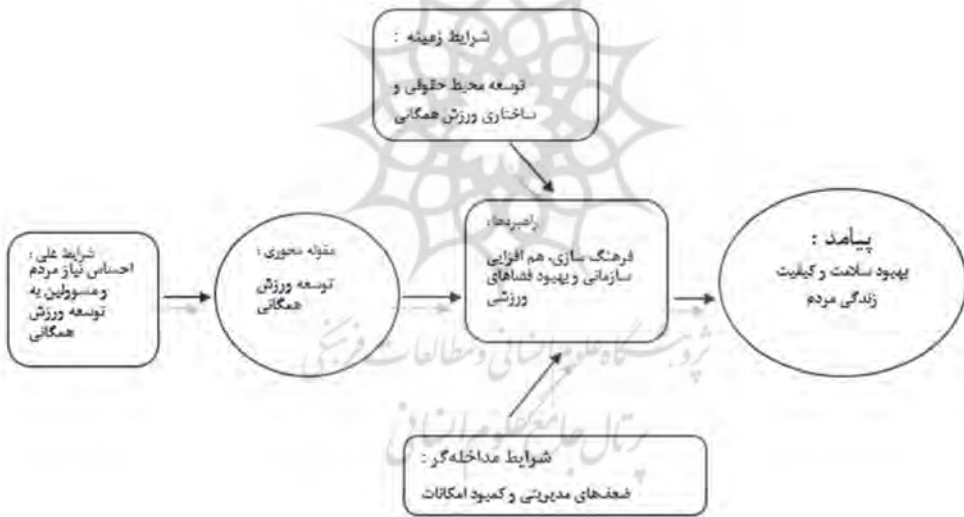
پیامد (بهبود سلامت و کیفیت زندگی مردم)

برخی از مقوله ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ کنش ها و تعاملات به وجود می آیند

(شکل ۵).



شکل ۵: پیامدها: بهبود سلامت و کیفیت زندگی مردم



شکل ۶: مدل تئوری توسعه ورزش همگانی

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، افزایش کیفی و کمی زیرساخت ها و توزیع متوازن امکانات در کشور به عنوان شرایط زمینه ای مؤثر بر توسعه ورزش همگانی تعریف می شود. شرایط زمینه ای اشاره به زیرساخت ها و بسترهایی دارد که توسعه ورزش همگانی در کشور نیازمند آن هاست. در واقع، در صورت نبود این شرایط و بسترها، نمی توان انتظار داشت که مردم به ورزش و فعالیت های بدنی بپردازند. به طور کلی، بسترهای توسعه

ورزش همگانی کشور را می توان در موارد مختلفی از جمله زیرساخت ها و امکانات ورزشی، منابع انسانی، منابع مالی، فرهنگ کشور، سیاست کشور و... جستجو کرد، اما با توجه به یافته های تحقیق، این عوامل زمینه ای شامل مواردی از جمله: افزایش آگاهی مردم نسبت به فوائد فعالیت بدنی منظم، هدفمند بودن متولیان ورزش همگانی کشور، کافی بودن اقدامات انجام شده، نهادینه شدن ورزش در خانواده ها، کافی بودن سرانه ورزش کشور، فعالیت های ترویجی ورزش همگانی به میزان کافی، توزیع مناسب امکانات ورزشی مناطق مختلف کشور، وجود تعریفی مناسب از ورزش همگانی، وجود ورزش خودجوش و بدون تاثیر از عملکرد دولت توسط مردم، عملکردی بودن توسعه ورزش همگانی و وجود قوانین حمایتی لازم برای توسعه ورزش همگانی است که متأسفانه در بسیاری از این موارد، ورزش همگانی کشور فاقد بسترهای لازم است.

یکی از این عوامل زمینه ای که می تواند زمینه توسعه ورزش همگانی را فراهم سازد، افزایش آگاهی مردم نسبت به فوائد فعالیت بدنی منظم است. بر کسی پوشیده نیست که انجام فعالیت های بدنی منظم، فوائد و مزایای بی شماری هم از نظر جسمانی و روانی و هم از نظر اقتصادی و فرهنگی در پی خواهد داشت و خوشبختانه در طول چند سال اخیر، آگاهی مردم از این موضوع به واسطه عوامل مختلفی چون: بهبود وضعیت تحصیلات مردم، افزایش برنامه های علمی و ورزشی در رسانه های جمعی و دسترسی مناسب به مطالب علمی به ویژه در فضای مجازی ارتقا یافته است. لذا به نظر می رسد که در این عامل، جامعه کشور در وضعیت مناسبی قرار دارد که می تواند زمینه توسعه ورزش همگانی را فراهم نماید.

یافته های پژوهش پیرامون عامل موثر دیگر بر توسعه ورزش همگانی یعنی هدفمند بودن متولیان ورزش همگانی، نشان داد که نبود هدف در بین متولیان ورزش همگانی کشور یکی از مشکلاتی است که مانع از توسعه این امر می شود. در واقع تا زمانی که متولیان بخش ورزش همگانی کشور به ویژه شهرداری ها و وزارت ورزش و جوانان فاقد اهداف روشن و واقع بینانه باشند، نمی توان به ارتقای ورزش همگانی کشور امیدوار بود؛ چرا که بسیاری از اقدامات لازم برای توسعه ورزش همگانی کشور باید از سوی این متولیان انجام گیرد و فقدان اهداف روشن در این زمینه موجبات عدم انجام اقدامات بعدی و یا عدم موفقیت در انجام اقدامات مختلف را در پی خواهد داشت. در همین راستا و با توجه به یافته ها، به نظر می رسد که اقدامات انجام شده برای توسعه ورزش همگانی ناکافی بوده است که این موضوع می تواند ناشی از همان نبود هدف در متولیان امر باشد. به هر حال، در صورتی که انتظار توسعه ورزش همگانی کشور را داشته باشیم، باید اقدامات مختلفی توسط سازمان ها و ارگان های کشور صورت پذیرد تا بتوان به این مهم نائل آمد.

نهادینه شدن ورزش در خانواده ها، عامل دیگری است که موجبات ارتقای ورزش همگانی را فراهم می نماید. این در حالی است که عامل یاد شده در کشور از وضعیت نامناسبی برخوردار است و ضروری می نماید تا با استفاده از پتانسیل های بالای منابعی همچون رسانه های جمعی به ویژه تلویزیون که در اختیار دولت قرار دارد، ورزش و فعالیت بدنی در خانواده ها نهادینه شود. در همین راستا مشاهده شد که فعالیت های ترویجی ورزش همگانی در کشور ناکافی است و باید به منظور تغییر این وضعیت، برنامه های ترویجی و تبلیغی از نظر کمی و کیفی بهبود یابد. هرچند ورزش همگانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، اما متأسفانه بسیاری

از برنامه‌های ورزشی در رسانه‌های جمعی همچون رادیو، تلویزیون و حتی روزنامه‌ها به ورزش قهرمانی و حرفه‌ای اختصاص یافته است و متولیان حوزه ورزش همگانی نتوانسته‌اند جایگاه این حوزه از ورزش را در رسانه‌ها به عنوان ابزار اصلی ترویج و تبلیغ کشور ارتقا بخشند و بخش اندکی از برنامه‌های ورزشی در حوزه ورزش همگانی تولید و پخش می‌شود. بدون شک با نهادینه شدن ورزش در خانواده‌ها می‌توان شاهد افزایش گرایش افراد جامعه به انواع ورزش‌ها به ویژه ورزش همگانی بود و برای دستیابی به این مهم، رسانه‌ها و فعالیت‌های ترویجی ورزش همگانی می‌توانند نقش مهمی بر عهده داشته باشند.

یکی دیگر از زمینه‌های توسعه ورزش همگانی را ورزش خودجوش و بدون تاثیر از عملکرد دولت توسط مردم تشکیل می‌دهد که خوشبختانه در این مورد، کشور ایران در وضعیت مناسبی قرار دارد. شاهد این ادعا را می‌توان در پارک‌ها و اماکن ورزشی طبیعی همچون اطراف دریاچه‌ها و سواحل کشور مشاهده کرد که در بسیاری از ساعات روز می‌توان شاهد فعالیت‌های ورزشی بخشی از جامعه بود. این افراد نه به صورت سازمان یافته و تحت برنامه‌های مختلف ارگان‌های دولتی، بلکه به صورت خودجوش و مستمر به انجام فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند که البته این موضوع را در شهرها و روستاهایی که دارای منابع طبیعی خاصی چون دریا، دریاچه، کوه و ... هستند بیشتر می‌توان مشاهده نمود.

یکی دیگر از عوامل زمینه‌ای موثر بر توسعه ورزش همگانی را سرانه ورزشی کشور تشکیل می‌دهد که در این عامل نیز مشاهده می‌شود که کشور در وضعیت مناسبی قرار ندارد و سرانه ورزش کشور ناکافی و اندک است. در کشورهای پیشرو از نظر ورزش همگانی به وضوح مشاهده می‌شود که سرانه ورزشی مردم در حد بالایی قرار دارد و با وجود اماکن و فضاهای ورزشی مختلف در شهرها و روستاهای آنها، مردم آن‌ها به سادگی می‌توانند به فعالیت‌های ورزشی روزانه و منظم خود بپردازند، در حالی که مردم ایران با کمبود سرانه ورزشی مواجه هستند و این عامل یکی از موانع و مشکلات پیش روی توسعه ورزش همگانی را تشکیل داده است. در همین راستا، عدم توزیع مناسب امکانات ورزشی مناطق مختلف کشور مزید بر علت شده و مشکلات را چند برابر کرده است. متأسفانه، امکانات و تجهیزات ورزشی در کشور بیشتر در مراکز استان‌ها تمرکز یافته است و در راس آن‌ها می‌توان به تمرکز این امکانات در تهران به عنوان پایتخت کشور اشاره نمود. در اغلب روستاهای کشور امکانات ورزشی خاصی وجود ندارد و این در حالی است که بخش زیادی از جمعیت کشور در این مناطق ساکن هستند. همچنین، شهرهای کشور نیز از امکانات متناسب با جمعیت شهر برخوردار نیستند و باید در این زمینه برنامه‌های مناسبی تدوین شود. هرچند در طی چند سال گذشته برنامه‌ای مبنی بر توسعه فضاهای ورزشی روستایی در دستور کار دولت قرار گرفته، اما این برنامه به دلایل مختلف نتوانسته به طور کامل و مناسب اجرا گردد و در اغلب روستاهای کشور، سالن‌های ورزشی به صورت نیمه‌کاره رها شده و بخش زیادی از منابع مالی کشور تلف شده است - در حالی که با یک مدیریت درست و کارآمد می‌شد از این منابع بهتر استفاده نمود.

علاوه بر موارد فوق، عامل دیگری که می‌تواند زمینه توسعه ورزش همگانی کشور را فراهم نماید، وجود تعریفی جامع و مناسب از ورزش همگانی است که می‌تواند چراغ راهنمای سازمان‌های متولی برای توسعه

این حوزه باشد. متأسفانه، در کشور ما تعریف مناسبی از ورزش همگانی وجود ندارد و در این مورد، بیشتر به صورت سلیقه ای و یا کلیشه ای عمل می شود. گواه این ادعا را می توان در عملکرد فدراسیون ها و هیئت های ورزشی مشاهده کرد. اغلب فعالیت های فدراسیون ها و هیئت های ورزشی در راستای ورزش قهرمانی و حرفه ای است و نمی توان برنامه های توسعه ورزش همگانی را در برنامه های آن ها مشاهده کرد. اذهان عمومی بر این باور است که متولی اصلی توسعه ورزش همگانی، فدراسیون ورزش همگانی و وزارت ورزش و جوانان هستند که این ذهنیت بر فدراسیون ها و مدیران آن نیز غالب است. این در حالی است که در کشورهای پیشرو، تمامی فدراسیون های ورزشی در تلاش برای همگانی کردن ورزش خود هستند و تعریف دیگری از ورزش همگانی دارند.

شعاری بودن توسعه ورزش همگانی در کشور عامل دیگری است که مانع از توسعه ورزش همگانی می شود. در اغلب سازمان های متولی ورزش، متأسفانه عملاً در جهت توسعه ورزش همگانی اقدامات مفیدی انجام نمی شود و با توجه به شعاری بودن این ادعا، با انجام چند برنامه و جشنواره ورزش همگانی و خانوادگی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کنند و در واقع به توسعه ورزش همگانی در کشور نمی پردازند.

در نهایت و با توجه به این نتایج، افزایش کیفی و کمی زیرساخت ها و توزیع متوازن امکانات در کشور به عنوان شرایط زمینه ای مؤثر بر توسعه ورزش همگانی تعریف می شود. در واقع اصلی ترین عامل توسعه ورزش همگانی کشور را افزایش کیفی و کمی زیرساخت ها و توزیع متوازن امکانات در کشور تشکیل می دهد و به نظر می رسد که با توسعه این زیرساخت ها و توزیع متوازن امکانات ورزشی در کشور می توان به ارتقای ورزش همگانی کشور امیدوار بود و لازم است در این راستا، تدابیر ویژه و مناسبی اندیشیده شود.

همچنین، به نظر می رسد که فقر فرهنگی، زیرساختی و برنامه ریزی در بدنه ورزش همگانی را می توان به عنوان شرایط مداخله گر مؤثر بر توسعه ورزش همگانی تعریف کرد. منطقی به نظر می رسد که در کنار شرایط زمینه ای و شرایط علی توسعه ورزش همگانی در کشور، برخی عوامل دیگر نیز در این توسعه دخالت داشته باشند. مهم ترین عوامل دخیل در این امر، عوامل فرهنگی و برنامه ریزی صحیح می باشند، چرا که تمامی امور جامعه در فضای فرهنگی آن محصور شده است و تغییر و تحولات در فرهنگ می تواند این امور از جمله ورزش همگانی را تحت تاثیر قرار دهد. لذا، نتیجه تحقیق منطقی و قابل قبول می نماید و می توان با تغییرات مثبت در عوامل فرهنگی، ورزش همگانی کشور را نیز به سوی توسعه و گسترش آن سوق داد.

از دیگر راهکارهای مناسب توسعه ورزش همگانی کشور می توان به تبدیل وزارت ورزش به سیاست گذار اصلی ورزش همگانی کشور اشاره کرد. با تبدیل شدن وزارت ورزش به سیاست گذار اصلی ورزش همگانی می توان از سلیقه ای عمل کردن مدیران و سازمان های مختلف جلوگیری نمود و با ارائه سیاست ها و راهبردهای مناسب و علمی در این وزارت، زمینه توسعه ورزش همگانی را در کشور فراهم آورد.

از دیگر راهبردهای توسعه ورزش همگانی می توان به توجه به تنوع و استمرار ورزش در مدارس اشاره کرد. با توجه به تعداد زیاد دانش آموزان در سنین مختلف، جنسیت های مختلف و نیز علائق و سلیق متفاوت، بی شک ارائه تعداد اندکی رشته ورزشی نمی تواند جوابگو باشد و احتمالاً بسیاری از این دانش آموزان یا توانایی

و مهارت اجرای این ورزش ها را ندارند یا اینکه علاقه ای به آن احساس نمی کنند. لذا با افزایش تعداد و تنوع رشته های ورزشی می توان بخش بیشتری از این جامعه را تحت پوشش قرار داد و آنان را به مشارکت فعال در ورزش و فعالیت بدنی ترغیب نمود.

با توجه به نتایج، می توان توجه به ورزش پایه، بانوان و اقشار با برنامه ریزی و نظارت ملی را به عنوان راهبردهای ورزش همگانی تعریف کرد. با هدف قرار دادن گروه های خاص جامعه همچون کودکان و نوجوانان (ورزش پایه) و بانوان که نیمی از جامعه را تشکیل داده اند و نیز اقشار مختلف همچون کارکنان ادارات و سازمان های دولتی، کارگران، سالمندان و ...، می توان برنامه ریزی های مناسبی انجام داد. نیز با نظارت کافی و اصولی در سطح ملی می توان به اجرایی شدن این برنامه ها با حداکثر کارایی امیدوار بود. بنابراین، نتیجه به دست آمده کاملاً منطقی است و باید سرلوحه و وظایف و مأموریت های مسئولان سازمان های متولی ورزش همگانی کشور قرار گیرد.

افزایش شادی و رضایت از خود و شور و نشاط اجتماعی، پیامد دیگری است که از توسعه ورزش همگانی ناشی می شود. افراد با ورزش و فعالیت های بدنی علاوه بر کاهش استرس و اضطراب روزمره خود، از نظر روانی نیز سالم تر و شاداب تر می شوند و این موضوع موجب نشاط اجتماعی آنان و در کل شادابی جامعه خواهد شد. با ورزش و فعالیت بدنی است که کاهش استرس و اضطراب و بیماری های غیر واگیر اتفاق می افتد. به عنوان مثال، با مشارکت در فعالیت های ورزش همگانی می توان از بسیاری از بیماری ها همچون افسردگی پیشگیری نمود.

کاهش ناهنجاری های اجتماعی و بزهکاری در جامعه، توسعه ورزش قهرمانی و افزایش انگیزه در ورزشکاران سنین پایه و رضایت مردم از خود و دولتمردان نیز از دیگر پیامدهای ورزش همگانی هستند. چنانچه افراد زمان خود را در ورزش همگانی سپری کنند، مطمئناً زمان کمتری برای انجام بزهکاری خواهند داشت و در واقع ورزش و فعالیت بدنی، یک از بهترین روش های گذران اوقات فراغت است. از سوی دیگر، با توسعه ورزش همگانی، توسعه ورزش قهرمانی نیز اتفاق می افتد، چرا که ورزشکاران قهرمان از دل همین ورزشکاران مشغول به ورزش های همگانی کشف و پرورش می یابند. همچنین، این موضوع سبب افزایش انگیزه در ورزشکاران سنین پایه می شود، زیرا افرادی که از سنین کودکی با ورزش آشنا می شوند، این موضوع می تواند زمینه یک زندگی فعال و شاد را برای آنان فراهم نماید.

با توجه به نتیجه به دست آمده در مورد پیامدهای توسعه ورزش همگانی، به طور خلاصه و کامل می توان بهبود سلامت جسمانی، اجتماعی و روانی افراد جامعه و افزایش بهره وری کارکنان را به عنوان پیامدهای توسعه ورزش همگانی در کشور تعریف کرد. با توجه به فوائد و مزایای بی شمار ورزش همگانی و تاثیرات مثبت جسمانی و روانی آن بر روی اقشار مختلف جامعه، انتظار بهبود سلامت روانی و جسمانی و اجتماعی افراد جامعه به عنوان پیامدهای توسعه ورزش همگانی در کشور امری منطقی است. از سویی دیگر، با افزایش سلامت روانی، اجتماعی و جسمانی افراد جامعه، انتظار می رود که کارایی و بهره وری کارکنان سازمان های مختلف کشور به عنوان بخشی مهم از جامعه نیز افزایش یابد که این انتظار نیز می تواند کاملاً منطقی تلقی شود.

در نهایت نیز بر اساس یافته‌های سوالات تحقیق و با تکیه بر نظریه پردازی بنیادی، مدل کیفی توسعه ورزش همگانی در ایران تدوین و ترسیم شد. در مدل به دست آمده مشخص شده است که برای توسعه ورزش همگانی کشور، مجموعه‌ای از شرایط علی مورد نیاز است که از آن به عنوان «تقویت محیط حقوقی و قانونی ورزش همگانی» یاد می‌شود. به دنبال ایجاد این شرایط علی، باید راهبردهایی با هدف برنامه ریزی و نظارت ملی در ورزش پایه، ورزش بانوان و ورزش اقشار مختلف جامعه تدوین شود که مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بر آنها تاثیر گذارند و آنها را مورد تغییر و اصلاح قرار دهند. بدین ترتیب، انتظار می‌رود که سطح کارایی و بهره‌وری ورزش برای همه ارتقا یابد و متعاقب آن، رشد همه جانبه در کشور اتفاق افتاد.



منابع

- اتقیا، ناهید. (۱۳۹۶). «نیازسنجی از اقبال مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش همگانی». پژوهشی در علوم ورزشی. شماره ۱۷، صص ۱۵-۳۲.
- خرمی خرم‌آبادی، غلامرضا. (۱۳۸۸). «بررسی موانع و عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه‌های منتخب مشهد در برنامه‌های ورزش همگانی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، استان تهران.
- رضانی نژاد، رحیم؛ رحمانی نیا، فرهاد و تقوی تکیار، سیدامیر. (۱۳۸۸). «بررسی انگیزه شرکت‌کنندگان در ورزش‌های همگانی در فضاهای روباز». نشریه علمی پژوهشی. شماره ۲، صص ۵-۲۰.
- زاهدی، نسری. (۱۳۹۰). «مقایسه و اولویت بندی راهکارهای توسعه ورزش همگانی کشور از دیدگاه مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران». پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شمال.
- زردشتیان، شیرین؛ حسینی، مریم و کریمی، جواد. (۱۳۹۵). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش بانوان استان کرمانشاه به ورزش همگانی». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. سال چهارم، شماره پیاپی ۱۴، صص ۹-۱۴.
- سید عامری، میرحسن و بردی محمد آلق، قربان. (۱۳۹۱). «تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی (مطالعه موردی: ارومیه)». نشریه علمی پژوهشی. شماره ۴، صفحه: ۲۳-۳۴.
- شعبانی، عباس؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۳). «مطالعه سیاست‌ها و راهبردهای ورزش همگانی نظام جامع توسعه ورزش کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶ (۲۷): صص ۱۵-۳۰.
- صفری شالی، رضا. (۱۳۸۰). «تأثیر و جایگاه مشارکت مردمی در تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان دختر». همایش تعیین جایگاه تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان دختر. وزارت آموزش و پرورش، معاونت تربیت بدنی و تندرستی، صص ۸۹-۳۳۳.
- عابدینی، صمد و طالبی، شیوا. (۱۳۹۶). «عوامل اجتماعی فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال». جامعه‌شناسی کاربردی. سال بیست و هشتم، شماره پیاپی (۶۵)، شماره اول.
- کشکر، سارا. (۱۳۸۶). «تجزیه و تحلیل عوامل بازدارنده مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی تفریحی شهر تهران». رساله دکتری رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گودرزی، محمود؛ نصیرزاده، عبدالمهدی؛ فراهانی، ابوالفضل و وطن دوست، مریم. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان کرمان». مدیریت ورزشی. شماره ۱۷، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- مظفری، سید امیر احمد و قره، محمدعلی. (۱۳۸۴). «وضعیت ورزش همگانی ایران و مقایسه آن با چند کشور منتخب جهان». علوم حرکتی و ورزش. دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۵۱-۱۷۱.
- نادریان جهرمی، مسعود. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه انگیزه با موانع مشارکت در زنان شهر اصفهان». معاونت پژوهشی دانشگاه اصفهان، طرح پژوهشی دانشگاه اصفهان.
- Babiak, K. and L.Thibault. (2009). “Challenges in multiple cross-sector partnerships”. Non-profit and Voluntary Sector Quarterly, 38(1):117-143.
- Collins, M. (2002). “Sport for all as a multifaceted product of domestic and interna-

tionial influences". Email< MF collins@ lboro.Ac.Uk.

- Commission, C. S. C. o. t. S. (2009). **"Consultancy Study on Sport for All Participation Patterns of Hong Kong People in Physical Activities"**. Leisure and Cultural Services Department, Hong Kong.
- Frawley, S., veal, A. J., cashman, R., and Toohey, K. (2009). **"Sport for all and Major sporting Events: Introduction to the project"**. School of Leisure, sport and Tourism working paper 5, Sydney UTS.
- Holzweher, F. (2002). **Sport for all a social change and fitness development institute of sport scenic**. rienna university: Austria.
- Houlihan, B. and A. White. (2002). **The politics of sports development: development of sport or development through sport?**. Psychology Press.
- MacIntosh, P. and C.i.p.l.é.p.e.l.s.d. sport. (1980). **Sport for All programmes throughout the world, International Council of Sport and Physical Education**. UNESCO.
- Malina, R. M. and B.B. little. (2008). **"Physical activity: the present in the context of the past"**. American Journal of Human Biology, 20.
- Mauskopf, J. A., S. D. Sullivan, L. Annemans, J. Caro, C.D. Mullins, M. Nuijten, E. Orlewska, J. Watkins and Trueman, P. (2017). **"Principles of good practice for budget impact analysis: report of the ISPOR Task Force on good research practices—budget impact analysis"**. Value in health 10(5):336-347.
- Mull, Richard. F., Bayless, Kathryn. G., Jamieson, Lynn, M. (2005). **"Recreational Sport Management"**. 3rd ed. Australia, Human Kinetics.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی